

بررسی طرح تخفیف مجازات اعدام

در جرایم مواد مخدر

بهار اخوان

چکیده

بدون شک پدیده قاچاق مواد مخدر، اعتیاد و ناهنجاری‌های رفتاری ناشی از کاربرد این مواد، یکی از معضلات بزرگ جامعه بشری به خصوص در عصر حاضر به شمار می‌آید. تمامی جوامع انسانی و بیشتر دولت‌ها بر این موضوع اتفاق نظر دارند که مواد مخدر و جرائم ناشی از آن، نسل بشریت را مورد تهدید قرار داده و همچنان مورد تهدید قرار می‌دهد و این‌که صاحب‌نظران و آگاهان متعهد تردیدی ندارند که حل این معضل اجتماعی نیازمند مبارزه‌ای مستمر و همه‌جانبه از ابعاد نظامی، انتظامی و سیاسی تا تلاش‌های اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. بدیهی است هر کشوری برای مقابله با جرایم و از جمله مقابله با جرایم مواد مخدر راه‌های خاص خودش را دنبال می‌کند، البته در بسیاری از موارد مشترکاتی نیز در جهان وجود دارد. با توجه به حساسیت نظام جمهوری اسلامی ایران به مواد مخدر و پیچیدگی مسائل مربوط به آن تحقیق و اجتهاد فقهی و حقوقی در فروع مختلف مربوط به مواد مخدر و جرایم و مجازات آن

یک امر ضروری به نظر می‌رسد. یکی از ابزارهای مقابله با این پدیده، یعنی مواد مخدر و جرائم ناشی از آن، در قوانین ایران، اعمال مجازاتهای شدید و سنگین بوده و مجازات اعدام و حبس‌های طولانی مدت به عنوان نمونه‌های از پیشگیری‌های کیفی در نظر گرفته شده است. در بین این مجازات‌ها، مجازات اعدام از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است، چراکه مجازات اعدام در بین مجازات‌های بدنی علیه تمامیت جسمانی، شدیدترین آنهاست. در این مقاله به واکاوی فرایند کاهش یا حذف اعدام آن در جرایم مربوط به مواد مخدر می‌پردازیم.

کلیدواژه: مجازات اعدام، مواد مخدر، فقه اسلامی، قوانین جمهوری اسلامی ایران، تخفیف مجازات اعدام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از بدو تأسیس نخستین تشکل‌های اجتماعی که احتیاج به وجود نظم و ایجاد مقرراتی برای حفظ امنیت و تنظیم روابط اجتماعی احساس شد، ضمانت اجرای مقررات تنظیمی نیز مدنظر بوده است. البته، در جوامع نخستین، عمده تضمین‌ها (مجازات‌ها) با انگیزه‌های متفاوتی از قبیل انتقام‌جویی، اجرای عدالت، سزادهی و یا حمایت از جامعه وضع شده بود که مجازات اعدام همواره در رتبه اول مجازات‌ها قرار داشت. (امیرعلایی، ۱۳۵۷) اگرچه با تغییر زمان و مکان، از لحاظ نحوه اجرای این مجازات، روش‌های متفاوتی اعمال می‌شده، با این حال، تا دهه پیشین، هیچ‌گاه از سیاست کیفری جوامع مختلف بشری حذف نشد. در دهه‌های اخیر، با پیدایش مکاتب مختلف کیفری، مشروعیت مجازات اعدام متزلزل شد. در برخی از کشورها، به‌طور کلی از فهرست مجازات‌ها کنار گذاشته شد و در برخی دیگر نیز به صورت قانون متروک درآمد و برخی نیز شمار اجرای آن را به حداقل ممکن کاهش دادند. با این وجود، در نظام حقوقی ایران، مجازات اعدام، از مجازات‌های پیش‌بینی شده از سوی قانونگذار است. یکی از جرائمی که این مجازات برای آن وضع شده است، جرائم مربوط به مواد مخدر است. در واقع، جرائم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان از دغدغه‌های همیشگی و به خصوص سال‌های اخیر جهان (به دلیل تولید و صدور انبوه) و به ویژه کشور ما بوده است. بدین جهت، کنوانسیون‌های بین‌المللی مختلفی در این خصوص به تصویب کشورهای جهان رسیده است. همچنین، کشورها در حقوق داخلی خود نیز در این زمینه، به قانونگذاری پرداخته‌اند. بدین ترتیب می‌توان گفت شدیدترین پاسخ کیفری به قاچاق مواد مخدر در ایران و برخی

کشورها مجازات اعدام است. مجازات اعدام با «قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۸/۳/۳۱» وارد حقوق مواد مخدر ایران شد و سپس در قوانین بعدی مربوط به مواد مخدر از جمله «قانون تشدید مرتکبان اصلی جرائم مندرج در قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش و اجازه موقوفی تعقیب و اجرای مجازات سایر مرتکبان جرائم یادشده مصوب ۳۱ خرداد ۱۳۴۸» ابقا شده است و به ظاهر از سال ۱۳۵۳ با شدت هرچه تمام‌تر تا انقلاب اسلامی، به وسیله دادگاه‌های نظامی اجرا شده است. بعد از انقلاب تاکنون نیز در قوانین مربوط به مواد مخدر، این مجازات حفظ شده است. با وجود این، از زمان شروع نخستین بحث‌ها در مورد مجازات اعدام برای جرائم مواد مخدر، مخالفت‌ها و موافقت‌ها در این خصوص وجود داشت. عده‌ای با این استدلال که هرچه مجازات سنگین‌تر باشد، احتمال وقوع جرم پایین می‌آید، با مجازات اعدام موافق بودند. در مقابل، عده‌ای با این استدلال که این مجازات، توانایی بازدارندگی لازم را ندارد، با این امر مخالفت می‌کردند. به هر حال، همان‌طور که اشاره شد، این مجازات در مورد جرائم یادشده، وارد نظام حقوقی ما شد و در سطح بین‌الملل کشورهای غربی فشارهای زیادی را در جهت حذف آن به جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌کنند.

از طرفی باید توجه داشت که مجازات اعدام با هدف اشاعه، نشر جرم و عبرت‌آموزی به مرحله اجرا درمی‌آید و در کشورهایایی این مجازات وجود دارد که با این جرایم ارتباط مستقیم دارند. در ایران نیز بیشترین درصد اعدام‌ها مربوط به مواد مخدر است، به طوری که بنا بر اعلام مسئولان قضایی، ۸۰ درصد از اعدام‌ها مربوط به قاچاقچیان مواد مخدر می‌شود و در این زمینه باید گفت اعدام قاچاقچیان مواد مخدر نتوانسته است این هدف را محقق سازد.

آمارهای مربوط به افزایش قاچاق مواد مخدر، افزایش اعتیاد و افزایش کشفیات مواد مخدر نشان می‌دهد که مجازات اعدام نتوانسته است، تأثیر شایان توجهی در کاهش و بازدارندگی قاچاق این کالا داشته باشد. موضوعی که مدت زیادی است، دستگاه‌های متولی مبارزه با مواد مخدر را بر آن داشت تا در مجازات قاچاقچیان مواد مخدر به بازنگری و اصلاح قوانین بیندیشند و در این زمینه گام‌هایی بردارند. حذف اعدام از مجازات قاچاق مواد مخدر نخستین پیشنهادی بود که در این زمینه مطرح و به سرعت رسانه‌ای شد. حاشیه‌ها و مخالفت‌ها با این پیشنهاد به قدری گسترده بود که این طرح نخست با عنوان «حذف اعدام از بخشی از جرایم مرتبط با قاچاق مواد مخدر» مطرح و سرانجام به «محدودیت مجازات اعدام مرتکبین به قاچاق مواد مخدر» اصلاح شد. با توجه به اهمیت این موضوع و روند بررسی قانونی که این قانون در پیش دارد این مقاله سعی دارد به این سوال پاسخ دهد که مجازات اعدام برای جرایم مواد مخدر چه جایگاهی در فقه اسلامی و قوانین جمهوری اسلامی دارد و روند محدودیت و حذف آن چگونه پیگیری می‌شود؟

۱. جرایم مواد مخدر در اسناد بین‌المللی

۱-۱ جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر

«قاچاق» واژه‌ای ترکی است. در لغت به معنای بُرده و ربوده شده، آمده است و در اصطلاح به معنای حمل و نقل و فروش اشیای ممنوع بدون اجازه دولت و به هر آنچه که ورود آن به کشور و یا از طرف دولت ممنوع است، اطلاق می‌گردد. در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی ۱۹۶۱، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۸ به جرایم کشت گیاهان مخدر، فروش، توزیع، تولید، عرضه و... عنوان «قاچاق» اطلاق

شده است. ماده یک کنوانسیون ۱۹۶۱، در تعریف قاچاق آورده است «کشت یا هر داد و ستد مواد مخدر که برخلاف هدف‌های این قرارداد انجام شود.» در ماده یک کنوانسیون ۱۹۸۸ می‌گوید: «قاچاق به معنای جرایم مندرجه در بندهای ۱ و ۲ ماده ۳ این کنوانسیون می‌باشد.» و این جرایم همان کشت و سایر جرایم مربوط به مواد مخدر می‌باشد. جرم قاچاق از نظر کنوانسیون ۱۹۸۸، به عنوان جرم سازمان‌یافته تلقی گردیده است. جامعه جهانی (اعم از جامعه ملل و سازمان ملل متحد) از آغاز پیدایش تا حال بیشترین واکنش را در برابر جرایم بین‌المللی از خود به یادگار گذاشته است. از سال‌های ۱۸۱۵ تا ۱۹۹۶ (دوران ۱۸۰ ساله) بیش از ۲۴ جرم بین‌المللی در کنوانسیون‌ها مطرح شده است که یکی از آن‌ها قاچاق مواد مخدر می‌باشد، بنابراین قاچاق مواد مخدر هم جرم بین‌المللی و هم جرم سازمان‌یافته بین‌المللی است.

قاچاق مواد مخدر که توسط باندها و گروه‌های سازمان‌یافته با تجهیزات و امکانات پیشرفته انجام می‌گیرد یک جرم سازمان‌یافته بین‌المللی است. از آن‌جا که قاچاق مواد مخدر جرم سازمان‌یافته است، سازمانی بودن یک جرم خود از عوامل تشدید واکنش‌ها و مجازات است. عوامل تشدید مجازات، کیفیات و اوصافی هستند که اگر با افعال مادی جرم مقارن گردد بر حدت و خطرناکی جرم افزون می‌شود و مصادیقی بسیار دارد از قبیل تعدد مجرم با سبق تصمیم، عنف و آزار و جرح، زمان و مکان و به کار بردن اسلحه و ... از آنچه گفته شد به این نتیجه می‌رسیم که قاچاق بین‌المللی مواد مخدر به عنوان یک جرم سازمان‌یافته بین‌المللی مورد شناسایی جامعه جهانی قرار گرفته و برای مقابله با آن قواعد و مقررات بین‌المللی پیش‌بینی گردیده است و این مهم را در اهداف و متون کنوانسیون‌های بین‌المللی مواد مخدر از قبیل معاهده واحد مربوط به مواد مخدر ۱۹۶۱ با اصلاحیه آن و کنوانسیون مربوط

به داروهای روان گردان، مصوب ۱۹۷۱ و به ویژه کنوانسیون ۱۹۸۸، به صورت آشکارا می‌توان دید. (عادلی، ۱۳۹۰)

۱-۲ تصمیمات جهانی برای مقابله با مواد مخدر

قاچاق و سوءمصرف مواد مخدر در سده‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی در برخی از کشورهای جهان جریان داشت، ولی شیوع مشکل اعتیاد به مواد مخدر به صورت منطقه‌ای و فراملی در قرن ۱۸ و ۱۹ خودنمایی کرد. اگرچه کشورهایی از قبیل ایران، فیلیپین، هندوستان، آمریکا، انگلیس و ... با مشکل قاچاق و سوءمصرف مواد مخدر درگیر بودند، ولی گرفتارترین کشورها در سده ۱۸ کشور چین بود که در سده ۱۹ شمار مبتلایان به سوءمصرف مواد مخدر در این کشور ۴۰ میلیون نفر برآورد. به درخواست دولت چین و حمایت آمریکا در سال ۱۹۰۹ م، همایشی با شرکت سیزده دولت از جمله ایران و آمریکا در شانگهای درباره معضل مواد مخدر و ضرورت محدود شده مصرف تریاک به موارد داروسازی و پزشکی تشکیل شد که ادامه فعالیت برخی دولت‌های شرکت کننده در این همایش، منجر به تشکیل جلسات متعدد و تصویب معاهده‌ای درباره محدود شدن مصرف تریاک به موارد پزشکی و علمی طی سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ میلادی در هلند با امضای یازده دولت بزرگ از جمله ایران، آمریکا، چین و ... شد. دولت آمریکا چند سال بعد، از کشورهایی که در همایش شانگهای حضور داشتند دعوت کرد تا برای حضور در همایش بین‌المللی دیگری، نمایندگان تام‌الاختیار خود را به لاهه اعزام کنند. در نتیجه در دسامبر سال ۱۹۱۱ همایشی در لاهه تشکیل شد. اعضای این همایش درباره مسائل مربوط به تریاک و سایر مشتقات آن و حشیش و کوکاین به گفتگو پرداختند، ولی به دلایلی نتیجه‌ای به دست نیامد. پس از آن جامعه ملل و جانشین آن سازمان ملل متحد کنوانسیون‌هایی را ترتیب دادند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. (علیزاده، ۱۳۹۳: ۷۲)

۳-۱ کنوانسیون‌های بین‌المللی جرایم مرتبط با مواد مخدر

جرایم مرتبط با مواد مخدر اساساً و نوعاً از حیث قاچاق و عرضه آنها، سازمان‌یافته و فراملی است و بدین جهت، از اوایل قرن بیستم تاکنون، کنوانسیون‌های بین‌المللی و اسناد معتبر جهانی برای پیشگیری از وقوع این نوع جرایم به شرح زیر تصویب شده و به مرحله اجرا درآمده است:

- کنوانسیون بین‌المللی تریاک که به دنبال برگزاری کنفرانس ۱۹۰۹ شانگهای در سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ به امضای نمایندگان یازده دولت رسید؛

- کنوانسیون بین‌المللی تریاک مصوب ۱۹۲۵؛

- کنوانسیون تحدید، ساخت و تنظیم توزیع مواد مخدر مصوب ۱۹۳۱؛

- کنوانسیون مقابله با حمل و نقل غیرقانونی داروهای خطرناک مصوب ۱۹۳۶؛

- پروتکل مواد مخدر مصوب ۱۹۴۷؛

- پیوندنامه پاریس مصوب ۱۹۴۸؛

- پروتکل تحدید و تنظیم کشت گیاه خشخاش، تولید و تجارت عمده

بین‌المللی و استفاده از تریاک مصوب ۱۹۵۳؛

- معاهده واحده مواد مخدر ۱۹۶۱ که با پروتکل ۱۹۷۲ اصلاح شده است؛

- کنوانسیون مواد روانگردان مصوب ۱۹۷۱؛

- کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روانگردان مصوب ۱۹۸۸؛

تعداد زیادی اسناد، مانند سند جامع و مهم CMO، قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها و ... مصوب کنفرانس‌های بین‌المللی. برای نظارت یا اجرای راهبردهای پیشگیری از جرایم مرتبط با مواد مخدر که در کنوانسیون‌ها و اسناد یاد شده به تصویب دولت‌های جهان رسیده در طول قرن بیستم میلادی، ارگان‌هایی در

ساختار سازمان ملل متحد و نهادهای اقماری آن ایجاد شده است و در همین ارتباط نیز، روز ۲۶ ژوئن (۵ تیر) نیز در کنفرانس بین‌المللی مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر در وین اتریش در قالب سند C.M.O به عنوان «روز جهانی مبارزه با مواد مخدر» نامگذاری شده است. (شفقنا، ۱۳۹۴)

۲. مجازات اعدام برای جرایم مواد مخدر از نظر فقه اسلامی

از لحاظ فقهی جرایم مواد مخدر از مسائل مستحدثه محسوب می‌شود. در خصوص حکم تکلیفی و حکم وضعی، گروهی از فقها، نفس مواد مخدر را ملاک قرار داده و آن‌ها را در حکم سموم مهلکه دانسته و احکام آن را بر مخدرات جاری کرده‌اند. برخی، آثار شخصی و اجتماعی مواد مخدر را مد نظر قرار داده و از باب ضرر شخصی و اضرار اجتماعی درباره آن حکم کرده و فتوی داده‌اند. در هر حال چه نفس مواد مخدر و چه آثار مترتبه را ملاک قرار دهیم، می‌توان هریک از موضوعات فوق را از مصادیق و صغریات یک یا چند قاعده فقهی تلقی نمود، مانند:

۱- قاعده لاضرر؛

۲- قاعده حرمت اعانت برائتم و عدوان؛

۳- قاعده حرمت مقدمه حرام؛

۴- قاعده غرور؛

۵- قاعده نفی سبیل.

از همین رو می‌توان از طریق تطبیق این قواعد، حکم وضعی و تکلیفی موضوعات فوق را استنباط نمود. عده‌ای که معتقد به امکان اجرای مجازات اعدام برای مبارزه با مواد مخدر هستند به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱. معتقدین به جواز اعدام مرتکبین مواد مخدر از باب تعزیر
 ۲. معتقدین به جواز اعدام مرتکبین مواد مخدر از باب افساد فی الارض
 ۳. معتقدین به جواز اعدام مرتکبین مواد مخدر از باب محاربه
 ۴. معتقدین به جواز اعدام مرتکبین مواد مخدر از باب حکم حکومتی
- الف. دلایل طرفداران تعزیری بودن مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر
۱. دون حد بودن تعزیر به این معنا نیست که تعزیرات باید کمتر و خفیف‌تر از حدود باشند، بلکه دون در اینجا به معنای غیر است. بنابراین دون الحد یعنی غیر از حد یعنی عقوبتی که مثل حد نباشد.
 ۲. گرچه خود فقها هنگامی که پیرامون تعزیر به صورت مستقل بحث می‌کنند آن را دون الحد می‌دانند، اما با بررسی کتب فقهی می‌توان مواردی یافت که در مجازات جرم تعزیری «قتل» پیش‌بینی شده است. این مطلب بیانگر این است که در تعزیرات نیز می‌توان مجازات اعدام را اعمال نمود. به عنوان مثال فقهای بزرگی مثل شیخ طوسی می‌فرمایند که امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند منجر به قتل طرف بشود.
 ۳. رعایت مصلحت فرد و جامعه

ب. دلایل طرفداران مجازات اعدام مرتکبین مواد مخدر از باب افساد فی الارض

۱. آیه ۳۲ و ۳۳ سوره مبارکه مائده: «مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا ... إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که

هرکس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فسادی در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته ... سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند این رسوایی آنان در دنیا است و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت).

۲. آیه ۲۰۵ سوره بقره «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباہکاری را دوست ندارد).

۳. این گروه معتقدند با توجه به آیات مذکور و قرار گرفتن «واو» عاطفه، محاربه و افساد فی الارض دو جرم مستقل اند. جرم در افساد فی الارض یک عنوان کلی است که یکی از مصادیق آن جرم محاربه است که مورد حکم خاص قرار گرفته است؛ رابطه این دو عموم و خصوص مطلق است و افساد فی الارض اعم از محاربه است: هر محاربه مفسد است، ولی هر مفسدی محارب نیست. قانون مجازات اسلامی نیز همین نظر را پذیرفته است. اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۸ مبنای مجازات اعدام را از باب افساد فی الارض دانسته است. ماده ۹ این اصلاحیه بیان می‌کند: «مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به اعدام محکوم می‌شود...» این ماده نشان می‌دهد قانونگذار محاربه و افساد فی الارض را دو جرم تلقی کرده و مبنای اعدام در جرایم مواد مخدر را از باب افساد فی الارض دانسته است.

ج. دلایل طرفداران مجازات اعدام مرتکبین مخدر از باب محاربه

۱. هر عملی که موجب برهم زدن آرامش، نظم و امنیت عمومی جامعه شود و ایجاد افساد در جامعه کند، مشمول محاربه قرار خواهد گرفت.

۲. تجرید و تشهیر سلاح و یا به دست گرفتن اسلحه که در تعریف فقها و قانون مجازات اسلامی از محاربه آمده جنبه حصری ندارد، بلکه از باب تمثيل می باشد. جرایمی در فقه و قانون وجود دارد که مرتکب بدون اینکه سلاح به دست گیرد محکوم به اعدام و قتل می شوند، مانند شخصی که ادعای نبوت می کند، مرتد، ساحر و... از این رو هر فعلی که موجب برهم زدن امنیت و آسایش عمومی شود و هراس، رعب، وحشت و فساد در زمین نماید، مشمول حکم محاربه و افساد فی الارض می شود خواه به صورت مسلحانه انجام پذیرد و خواه به صورت غیر مسلح. (مرادیان، ۱۳۹۵)

د. دلایل طرفداران مجازات اعدام مرتکبین مخدر از باب محاربه

باید توجه داشت که در بسیاری موارد، جرم چنان شدید است که موقعیت دولت اسلامی را در وضعی نامطلوب قرار می دهد، گرچه ممکن است از نظر فقهی جزء محرمات قرار نگیرد، ولی نیازمند وضع مجازات متناسب با شرایط جامعه باشد. در واقع، همان ادله ای که تأسیس دولت اسلامی را جایز و حتی واجب می شمارد، همان ادله نیز وضع چنین قوانینی را لازم می دارد؛ این جاست که فلسفه وجودی حکومت اسلامی و ضرورت حفظ آن، اقتضا می کند که با وضع مجازات های مناسب، با توجه به اوضاع، احوال و شرایط و مصالح جامعه و شدت تهدید که جرم مربوط نسبت به جامعه دارد، مجازات مناسبی وضع و اعمال گردد و این همان چیزی است که به نام تعزیرات حکومتی مطرح می باشد. بنابراین حکومت اسلامی که تحت مدیریت فقیه جامع الشرایط قرار

دارد، می‌تواند با وضع یک سلسله قوانین که مصلحت مستقیم حفظ نظام، ضرورت و امنیت جامعه اسلامی به آن احساس شود، مجازات‌های اعدام را در خطرناک‌ترین جرایم مانند جرایم سازمان‌یافته مواد مخدر و جاسوسی و جرایم تروریستی که از مصادیق محارب و مفسد فی الارض نباشد، وضع نماید. البته در وضع قوانین و مجازات‌های بازدارنده، باید نهایت دقت و احتیاط صورت گیرد که حقوق بشر و آزادی‌های فردی شهروندان مورد تعرض حکومت قرار نگیرد؛ به حقوق اساسی و آزادی‌های مشروع شهروندان تعرض نشود و با در نظر داشتن اصل تناسب جرم و جزا و میزان آسیب جرایم مواد مخدر، مجازات متناسب با جرم تعیین شود. از ادله ولایت فقیه و اختیارات حاکم اسلامی استفاده می‌شود که چنانچه مصلحت نظام اقتضا کند، در مواردی، عملی جرم‌انگاری و برای آن مجازات اعدام تعیین شود؛ زیرا حاکم شرع، امین امت اسلامی است و در صورتی که مصلحت امت در وضع قوانین و تعیین مجازات شدید مانند اعدام باشد، می‌تواند چنین قوانینی وضع کند. دست حاکم اسلامی باز است و هیچ محدودیتی ندارد. بنابراین مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، از جمله مجازات‌های بازدارنده است که به تأیید فقیه حاکم رسیده است. در نتیجه، می‌توان گفت این از جمله احکام حکومتی است که به ولی فقیه که متصدی اجرای احکام شرع و امین رسول در تطبیق و اجرای شریعت است، رسیده باشد و در نتیجه، مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر می‌تواند از باب مجازات‌های تعزیری باشد که در صورت تکرار، فقها اعدام را در آن‌ها جایز می‌دانند و همچنین می‌توان گفت از مصادیق جرایم حدی قرار می‌گیرد که تحت عنوان مفسد فی الارض هستند. در پایان به عنوان حکم حکومتی و ادله ضرورت حفظ نظام نیز

می‌توان در جرایم مواد مخدر قائل به اعدام شد. (حبیبی تبار، حبیبی، ۱۳۹۳: ۸۷)



۳. مجازات اعدام برای مواد مخدر در قانون جمهوری اسلامی ایران

به طور کلی در توجیه وجود مجازات اعدام، دو نظریه اساسی وجود دارد. یکی از این نظریه‌ها، نظریه استحقاقی و نظریه دوم، نظریه بازدارندگی است. نظریه استحقاقی بر استحقاق فرد به مجازات شدن به خاطر صدمه زدن به جامعه تأکید دارد و میزان مجازات به میزان صدمه وارد شده، قصد عامل و ورود صدمه بستگی دارد. طبق نظریه بازدارندگی، مجازات اعدام، نه فقط مرتکب را از ارتکاب جرم باز می‌دارد، بلکه دیگران نیز با گرفتن درس عبرت، از ارتکاب جرم مستوجب اعدام، خودداری می‌کنند.

۳-۱ روند قانونی مجازات اعدام برای مواد مخدر

پس از انقلاب اسلامی، هنوز قانون سال ۱۳۴۸ اجرایی بود تا این که در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۵۹، لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبان جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی، به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادان، توسط شورای انقلاب به تصویب رسید که اولین قانون در خصوص تعیین مجازات برای جرائم مواد مخدر پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی است. از مشخصه‌های این قانون، یکی این است که برای نخستین بار حشیش و ترکیبات دیگر آن، از قبیل بنگ و بنگاب و چرس و مانند آن‌ها، در ردیف مواد افیونی (یعنی تریاک، سوخته و شیره تریاک) قرار گرفت؛ دیگر این که مجازات و تنبیه بدنی برای جرائم مواد مخدر پیش‌بینی شد. مواد افیونی، مرفین و هروئین از مواد مخدر صنعتی و کوکائین و... تفکیک شد و برای هریک ماده جداگانه‌ای وضع و مجازات اعدام نیز ابقا شد. از سیاق تنظیم آن معلوم است که این قانون به تبعیت از قانون ۱۳۴۸ و نظر به فضای اوایل انقلاب و وجود ذهنیت منفی شدید در مردم و مسئولان به لحاظ ملموس بودن آثار سوء مواد مخدر

در سطح وسیعی از جامعه و پراکنده شدن معتادان ولگرد تنظیم شده و اعضای شورای انقلاب را بر آن داشته تا نسبت به قانون قبلی، شدت و حدت بیشتری به خرج دهند. تا سال ۱۳۶۷، امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر، گاهی با شدت و در برخی مواقع نیز به طور عادی و روزمره ادامه داشت و بدون توجه به ابعاد مختلف، مبارزه به صورت متمرکز بود و مسئولیت قضیه تنها به عهده قضات و مأموران دادرها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی و مأموران کمیته انقلاب اسلامی وقت بود. تا این‌که در سال ۱۳۶۷، قانون مبارزه با مواد مخدر در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح شد. از نکات بارز این قانون، ماده ۳۳ آن است که برای اولین بار به امر مبارزه با مواد مخدر با دید وسیعی نگریده و نشان می‌دهد که مسئولان وقت دریافتند که صرف دستگیری مجرمان مواد مخدر و اعزام آن‌ها به مراجع قضایی و صدور احکامی مانند اعدام و یا حبس و اخذ جریمه‌های سنگین و شلاق، کارساز نبوده و چاره کار نیست و این مطلب در اذهان قوت گرفت که تا عزمی جدی و اراده‌ای ملی و همه‌جانبه در کار نباشد، از بین رفتن جرایم مواد مخدر و روان‌گردان، رویایی بیش نیست. بنابراین، بر طبق ماده ۳۳، امر مبارزه با مواد مخدر به ستادی محول شد که ریاست آن به بالاترین مسئول وقت قوه مجریه، واگذار شد. به هر حال، در قانون سال ۱۳۶۷ نیز مجازات اعدام در مواردی چند پیش‌بینی شده است؛ از جمله در بند ۴ ماده ۲ که بیان می‌دارد: «هرکس مبادرت به کشت خشخاش کند و یا برای تولید مواد مخدر به کشت شاهدانه پردازد علاوه بر امحاء کشت در هر بار، بر حسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد: «... بند ۴ - بار چهارم، اعدام». در بند ۴ از ماده ۵ نیز مقرر می‌دارد: «هرکس بنگ و چرس و تریاک و شیره و سوخته تریاک را وارد کشور و یا صادر کند یا تولید و توزیع و یا خرید

و فروش کند و یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب با توجه به مقدار مواد مخدر به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

«... ۴- بیش از ۵ کیلوگرم اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین

زندگی متعارف برای خانواده محکوم.» همچنین، قسمت اخیر ماده ۶ مبنی بر

این‌که اگر کسی جرم نگهداری و حمل و یا مخفی کردن تریاک و سایر مواردی

که احصاء شد را تکرار کند یا مرتکب جرائم بندهای ۱ و ۲ و ۳ از ماده ۴ شود

و مجموع موارد یادشده به بیش از ۵ کیلوگرم برسد، در حکم مفسد فی الارض

قلمداد شده و مجازات اعدام در مورد وی اعمال می‌شود. تغییری که در این

قانون نسبت به مصوبه شورای انقلاب دیده می‌شود، یکی این‌که مقدار مواد

مخدر را برای تجویز مجازات اعدام افزایش داده؛ یعنی برای خرید و فروش و...

تریاک و یا سایر مواد مخدر مندرج در ماده ۴، در صورتی که بیش از ۵ کیلوگرم

باشد و ماده ۸ برای خرید و فروش و نگهداری و... هروئین و مرفین و... در

صورتی‌که بیش از ۳۰ گرم باشد، آن هم با رعایت تبصره یک از ماده ۸، اعدام

مقرر شده است. در شق دوم از ماده ۹ نیز هرگاه در مرتبه چهارم تکرار جرایم

مندرج در بندهای ۱ الی ۵ از ماده ۸، میزان هروئین و سایر مواد مخدر مندرج

در قانون بیش از ۳۰ گرم باشد، مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به

مجازات اعدام محکوم می‌شود. قانون مبارزه با مواد مخدر از زمان تصویب تا

اصلاح آن و حتی تا زمان انتشار آن در روزنامه رسمی که از تاریخ ۱۳۷۷/۶/۳۱

اجرای شد، تنها قانون موجود در رابطه با جرایم مواد مخدر بود. به هر حال،

با وجود حاکمیت این قانون به مدت ده سال، در ریشه‌کن کردن جرایم مواد

مخدر، توفیق چندانی حاصل نشد. آنچه مسلم است این‌که در سال ۱۳۷۶ به

لحاظ عدم بازدارندگی قانون مبارزه با مواد مخدر، لزوم بازنگری در آن احساس

شد و تغییراتی در میزان مجازات‌های نقدی و حبس‌های مقرر در قانون پیشین ایجاد شد. علاوه بر این، مجازات اعدام در برخی مواقع با تحدید اختیارات قاضی شدت یافت؛ از جمله، مجازات اعدام مقرر در بند ۴ ماده ۴ قانون مصوب ۱۳۶۷ که عیناً در قانون پس از آن ابقا شد، با این تفاوت که در بند ۵ ماده ۴ قانون ۱۳۶۷، آمده بود که هرگاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن‌ها هم نشده باشد، دادگاه وی را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال به جز هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده‌اش محکوم می‌کند. درحالی‌که در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، همان بند به تبصره تبدیل شده و مقرر نموده که هرگاه مقدار مواد مکشوفه بیست کیلوگرم یا کمتر باشد، مجازات مقرر، حبس ابد و مصادره اموال است و در مقادیر بالای بیست کیلوگرم، مرتکبان تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند. چنانچه ملاحظه می‌شود، اختیارات قاضی در عدم صدور حکم اعدام محدود شده و در صورتی که میزان مواد، بیش از بیست کیلوگرم باشد، قاضی ناچار به صدور حکم اعدام است. از سوی دیگر، رویه قضایی ایران در برخورد با مجازات اعدام، در سال‌های اخیر، از خود، نرمش بیشتری نشان داده است. برای مثال، از بین صد و بیست و پنج هزار پرونده مربوط به مواد مخدر که مورد بررسی قرار گرفته است، ۲۰۰۰ فقره آن، مربوط به صدور حکم اعدام برای متهمان بوده است و این تعداد، فقط ۹ درصد پرونده‌ها را تشکیل داده‌اند، ولی از این تعداد، فقط حکم اعدام ۱۲ درصد به اجرا گذاشته شده است و بقیه آنان یا مشمول عفو شده و یا توسط دیوان عالی کشور، نقض شده‌اند. (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۰۴)

۲-۳ حذف و تخفیف مجازات اعدام محکومان مواد مخدر

اخیراً، یک فوریت طرح کاهش مجازات اعدام محکومین مواد مخدر پس از ارائه نظرات موافق و مخالف نمایندگان مجلس شورای اسلامی در صحن علنی مجلس به تصویب رسید. در کلیات طرح کاهش مجازات اعدام برای مجرمان مواد مخدر آمده است که مجازات اعدام تنها برای قاچاقچیان خطرناک و مسلح مواد مخدر اعمال می‌شود و سایر قاچاقچیان به حبس‌های طولانی با شرایط سخت محکوم می‌شوند. بر اساس کلیات ماده واحده ۴۶ مرتکبان جرایم مرتبط با مواد مخدر در مواردی که اقدام به حمل سلاح گرم یا سرد کنند، سردسته گروه مجرمان سازمان‌یافته باشند، سابقه محکومیت به اعدام یا ۱۰ سال حبس داشته باشند و اقدام به ساخت و تولید یا وارد کردن مواد بیش از چند کیلوگرم کنند، مفسد فی الارض محسوب شده و در سایر موارد که اعدام و حبس ابد در نظر گرفته شده به بیش از ۲۵ سال تا ۳۰ سال حبس درجه یک محکوم می‌شوند. انتقادهای به جزئیات این طرح باعث شد تا این طرح مجدداً و برای مرتبه چندم به کمیسیون قضایی و حقوقی جهت اصلاح ارجاع داده شود. در این میان نظرات متعدد پیرامون بندهایی از این ماده موجب شد اعضای کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس مصرانه بررسی جزئیات این طرح را بر حسب وزن و میزان مواد مخدر سنتی و صنعتی در دستور کار خود قرار دهند و پس از اصلاحات تخصصی‌تر دوباره به هیأت رئیسه مجلس ارسال کنند. بعد از ارجاع این طرح به کمیسیون قضایی مجلس و بررسی نظرات برخی متولیان مبارزه با مواد مخدر، برخی مسئولان قوه قضائیه، وزارت دادگستری و دادستانی کل کشور که بر تعیین «قید وزن» جهت تعیین مجازات اعدام تأکید داشتند، شرایط مجرمان برای کاهش مجازات اعدام به گونه‌ای در کمیسیون قضایی و حقوقی

رقم خورد که علاوه بر قید وزن برای تولید، توزیع، حمل، نگهداری و وارد کردن مواد مخدر کسانی هم که بدون سوء پیشینه و حمل سلاح گرم اقدام به حمل وزن خاصی از مواد مخدر سنتی و صنعتی کنند، اعدام می‌شوند. همچنین اعدام مشمول سرکرده‌های قاچاق مواد مخدر و کسانی می‌شود که با استفاده از سلاح گرم مرتکب این جرم می‌شوند یا به دفعات دست به این کار زده و چند بار دستگیر شده‌اند. در همین زمینه عضو هیأت رئیسه کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در این باره تأکید کرده که مجلس با طرح تخفیف کاهش مجازات اعدام به دنبال این است که سرکرده‌های اصلی و قاچاقچیان عمده باید مجازات شوند. (خان احمدی، ۱۳۹۶: ۴) نهایتاً اینکه با رأی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، یک فوریت طرح کاهش مجازات اعدام محکومین مواد مخدر به تصویب رسید. این مصوبه در قالب «طرح الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر» در مجلس بررسی شد و پس از ارائه نظرات موافق و مخالف نمایندگان به تصویب رسید. این طرح با ۱۸۲ رأی از مجموع ۲۴۵ نماینده حاضر در مجلس به تصویب رسید. همچنین نمایندگان با ارجاع این ماده واحده به کمیسیون برای بررسی بیشتر نیز موافقت کردند. بر اساس کلیات ماده واحده ۴۶ که امروز به قانون اضافه شد: مرتکبان جرائم مرتبط با مواد مخدر در موارد زیر مفسد فی الارض محسوب شده و در سایر موارد که اعدام و حبس ابد در نظر گرفته شده‌اند به بیش از ۲۵ سال تا ۳۰ سال حبس درجه یک محکوم می‌شوند:

- مواردی که مباشر جرم یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب سلاح گرم همراه داشته یا سلاح گرم یا سرد کشیده باشد.

- مواردی که مرتکب بر اساس ماده ۱۸ این قانون یا ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی سردسته گروه مجرمانه سازمان یافته باشند.

- مواردی که مرتکب سابقه محکومیت به اعدام یا ۱۰ سال حبس یا بیش از آن یا گذراندن حداقل ۵ سال حبس به علت ارتکاب جرائم موضوع قانون مواد مخدر را داشته باشند.

- ساخت یا تولید یا وارد کردن مواد موضوع ماده ۸ این قانون به کشور مشروط به آنکه بیش از ... کیلوگرم باشد.

همچنین بر اساس تبصره ذیل این ماده واحده در مورد جرائم موضوع این قانون که حبس بیش از دو سال دارد، مرتکب الزاماً باید حداقل مجازات قانونی را طی کند و کمتر از این مدت، به جز تبصره ماده ۳۸ این قانون، مشمول معافیت، تخفیف، تبدیل، آزادی مشروط، مرخصی از زندان و سایر نهادهای ارفاقی نخواهد شد. در صورتی که حکم به مجازات بیش از حداقل مجازات قانونی باشد، دادگاه می تواند بخشی از مجازات حبس را پس از گذراندن حداقل مجازات قانونی به مدت ۱۰ تا ۱۵ سال تعلیق کند و این قانون شامل دارندگان محکومیت قطعی فعلی نیز می شود. این ماده واحده پس از بررسی مجدد در کمیسیون قضایی و بررسی جزئیات در صحن علنی مجلس و همچنین اعلام نظر شورای نگهبان به قانون قطعی تبدیل خواهد شد. (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶)

نتیجه گیری

سیاست جمهوری اسلامی ایران همواره برخورد جدی با این بلای خانمان سوز جهانی بوده، به نحوی که تاکنون در این راه هزینه‌های معنوی و مادی بسیار زیادی در این راه صرف شده است. یکی از اقدام‌های اساسی در امر مبارزه با مواد مخدر برخورد قاطع قانونی و قضایی با قاچاقچیان و تعیین شدیدترین مجازات یعنی اعدام در قوانین کیفری می‌باشد که همواره انتقادهایی از سوی مجامع بین‌المللی بر این موضوع وارد می‌باشد. به طور کلی آنچه از فقه اسلامی و قوانین ج.ا.ا. به دست می‌آید، اینکه، می‌توان از باب افساد فی الارض یا تعزیرات حکومتی و... بر اساس مصالح و مفاسدی که حاکم و ولی فقیه تشخیص می‌دهد از مجازات اعدام برای جلوگیری و مبارزه با مواد مخدر بهره جست، اما باید توجه داشت که در هر صورت تعیین مجازات اعدام برای مرتکبین این جرایم در صورتی ممکن است که اطلاق مفسد فی الارض یا عناوین مشابه بر وی امکان داشته باشد و در واقع عنصر مادی و معنوی این جرم محقق شود. عمده آسیب این قانون آن است که خرده فروشان مواد مخدر با ۳۰ گرم هروئین زیر تیغ اعدام رفتند، اما سرکرده باند پشت آن‌ها پنهان شده و به فعالیت خود ادامه می‌دهد. باید توجه داشت قانون، مجازات را به دلیل بازدارندگی از ارتکاب جرم وضع کرده است تا به وسیله اعمال مجازات از تکرار و تداوم جرم پیشگیری شود. روند مجازات قاچاق مواد مخدر در ایران در سال‌های گذشته که بیشتر ناظر به اعدام بود، نتوانست منجر به بازدارندگی ورود، خرید، فروش و استعمال مواد مخدر در ایران شود. هر چند مجازات اعدام در سال‌های گذشته اعمال می‌شد، اما همچنان شاهد روند افزایشی

قاچاق، توزیع و وابستگی به مواد و داروهای مخدر در ایران بوده‌ایم. همچنین تبعات ناشی از اعدام قاچاقچیان برای خانواده آن‌ها نیز با اهمیت است. در واقع قانون مجازات اعدام تأثیرات سویی بر خانواده‌های این افراد به جای می‌گذارد به نحوی که منجر به افزایش آسیب‌های اجتماعی و تبعات سوء روحی و روانی بر خانواده و بازماندگان زندانیان به خصوص در شهرهای کوچک می‌شود؛ از این رو با توجه به گسترش آسیب‌های اجتماعی و لطمات جبران ناپذیری که بر خانواده‌های مجرمان مواد مخدر وارد می‌شود، دولتمردان بر آن شدند تا با بازنگری و تجدیدنظر در این مقررات برخی از آسیب‌های وارده را کاهش دهند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. قرآن کریم
۲. قانون مجازات اسلامی
۳. امیرعلایی، شمس‌الدین (۱۳۵۷) مجازات اعدام، تهران، انتشارات دهخدا.
۴. حبیبی تبار؛ جواد حبیبی ضامن علی (۱۳۹۳) مبانی فقهی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، دوره ۲۱، شماره ۸۰.
۵. خان احمدی، فریبا (۱۳۹۶) طرح کاهش مجازات اعدام محکومین مواد مخدر بازنگری شد، روزنامه ایران، شماره ۶۵۵۰.
۶. خیرگزاری مهر (۱۳۹۶) موافقت مجلس با کلیات طرح کاهش مجازات اعدام برای مواد مخدر.
۷. عادل، عبدالحکیم (۱۳۹۰) جرم‌انگاری و شیوه‌های مبارزه با مواد مخدر در اسناد بین‌المللی، مجله حقوقی، شماره ۴.
۸. علیزاده، حمید (۱۳۹۳) میزان انطباق جرم‌انگاری مواد مخدر در ایران با اسناد بین‌المللی، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، دوره اول، شماره ۳.
۹. کاظمی، مسعود (۱۳۹۳) تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان، فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، دوره ۱، شماره ۴.
۱۰. میثم، مرادیان (۱۳۹۵) بررسی حکم فقهی اعدام به مثابه راهکار مبارزه با مواد مخدر، شبکه اجتهاد.
۱۱. _____ (۱۳۹۴) قانون مبارزه با مواد مخدر در گذر زمان. شفقنا.